

بسته پیشنهادی قدس از کتاب‌هایی که با موضوع انقلاب اسلامی منتشر شده است

انقلاب کلمات



۱۲

ورزش

وعده مدیران: نگران بسته شدن پنجره‌ها نباشید

پرسپولیس آبستن حوادث مالی مبهم

فکری به تغییرات تن داد

سونامی روی نیمکت استقلال



قرارداد ۵۵۵ میلیون یورویی بارسا با شماره ۱۰

گران‌ترین قرارداد تاریخ ورزش در جیب مسی

مجازآباد

امام آمد

کاربران فضای مجازی در آستانه دهه فجر، هشتگ #امام‌آمد را در توئیتر فارسی ترند کردند. در ادامه چند نمونه از توییت‌های منتشر شده را می‌خوانید: «شاید از حادثه می‌توسیدیم/تو به ما جرئت توفان دادی...بولتون گفته بود ایران چهل سالگی انقلاب را نخواهد دید. در ۴۲ سالگی انقلاب درود می‌فرستیم به روح پاک بنیان‌گذار انقلاب...امام آمد و دنیا دگرگون شد و مستضعفین فهمیدند می‌توانند جلو مستکبرین بایستند».

نظرسنجی فیس‌بوک درباره ترامپ

فیس‌بوک از زمان اشغال کنگره آمریکا، همچنان دسترسی ترامپ به این شبکه اجتماعی را محدود کرده است. به‌تازگی اما هیئت نظارت بر این پلتفرم، یک نظرسنجی مردمی را درباره مجموعه‌ای از موضوعات و این ممنوعیت خواستار شده است. مانند آنکه آیا تصمیم فیس‌بوک با مسئولیت‌های این شبکه اجتماعی در خصوص احترام به آزادی بیان همراستا است یا خیر. حالا باید منتظر بمانیم تا ببینیم مردم به حضور ترامپ در این شبکه اجتماعی رأی مثبت می‌دهند یا خیر.

به کام رحمان ۱۴۰۰

حمید فتاحی، مدیرعامل شرکت ارتباطات و زیرساخت با اشاره به مقررات و ارتباطات رادیویی توییتری را در حساب شخصی خود منتشر کرده و از کاهش ۲۵ درصدی نرخ پهنای باند اینترنت زیرساخت در کشور خبر داده است. جوشقانی در صفحه‌اش نوشت: «با پیشنهاد وزارت ارتباطات و تصویب کمیسیون تنظیم مقررات، پهنای باند اینترنت زیرساخت، ۲۵٪ ارزان شد».

پهنای باند ارزان شد

حسین فلاح جوشقانی، معاون وزیر ارتباطات و رئیس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی توییتری را در حساب شخصی خود منتشر کرده و از کاهش ۲۵ درصدی نرخ پهنای باند اینترنت زیرساخت در کشور خبر داده است. جوشقانی

در صفحه‌اش نوشت: «با پیشنهاد وزارت ارتباطات و تصویب کمیسیون تنظیم مقررات، پهنای باند اینترنت زیرساخت، ۲۵٪ ارزان شد».



۱۳ بهمن ۵۷ لغو قرارداد فروش تسلیحات آمریکا به ایران اعلام شد

۱۶۰ فروند هواپیمای اف۱۶... پُر!



امجد تربت‌زاده، سایت‌های مختلف و روزشمار مناسبت‌های سال ۱۳۵۷ را که جست‌وجو کنید، همه آن‌ها بدون استئنا برای روز ۱۳ بهمن سال ۱۳۵۷ نوشته‌اند: «قرارداد خرید ۱۰ میلیارد دلار اسلحه از آمریکا لغو شد!» خب... اولین سؤالی که به ذهن می‌آید این است که در کنش‌فوس روزهای پرحادثه انقلاب، وقتی همه سران انقلاب درگیر ورود امام و ماجراهای پس از آن بوده‌اند و دولت بختیارهم با همه‌توان برای حفظ خود تلاش می‌کرده است، کدام مقام کشوری و لشکری ایران و آمریکا رأی به لغو یک قرارداد بزرگ تسلیحاتی داده و بلافاصله هم آن را امضا کرده‌اند؟

پول‌ها را به باد داد

البته شاید خودتان بهتر بدانید که اهمیت این ماجرا بیشتر برمی‌گردد به داریایی‌ها و طلب‌های ما از آمریکا که به دلیل لغو قرارداد و تحویل نشدن تسلیحات به ایران ایجاد شده بود و بخشی از آن هنوز هم پرداخت نشده است. در هر حال ماجرا از زمانی داغ و جنجالی‌تر شده که «حسین دهباشی» در دومین جلد از مجموعه تاریخ شفاهی و تصویری ایران معاصر یعنی کتاب «فرماندهی و نافرمانی» از قول «سپهبد عبدالله آذربیزین» آورد که: «چهارمین روز نخست‌وزیری بازرگان بود، من را هم دعوت به کار کرده بود که ضمن اینکه فرمانده نیروی هوایی باشم... صبح داشتم می‌فکرم اداره، دیدم که دکتر (ابراهیم) یزدی در رادیو اعلام کرد دولت ایران تمام قراردادهایش را با دولت آمریکا فسخ کرد... تلفن را برداشتم و به بازرگان گفتم که شما خبر را شنیدی...؟ این مسئله فقط در مورد نیروی هوایی نزدیک به ۱۰ میلیارد دلار خسارت می‌شود... بازرگان رفت پیش (امام)خمینی و ماجرا را گفت. (امام) خمینی هم گفت، بگو حرفش را پس بگیر... یزدی رفت آنجا (آمریکا) حرفش را هم نتوانست پس بگیرد و با کمال رشادت پول‌ها را به باد داد...». یادمان باشد که «آذربیزین» پیش از انقلاب معاون عملیات و جانشین فرمانده نیروی هوایی بود و پس از انقلاب هم ققط برای ۱۲ روز یعنی از ۲۴ بهمن تا ۶ اسفند ۵۷ فرماندهی نیروی هوایی را به عهده داشت و آبان سال ۹۴ در آمریکا درگذشت.

از بیخ و بُن غلط است

ابراهیم یزدی ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۴ در پاسخ به مطالب این کتاب نوشت: «ادعاهای آقای آذربیزین بکلی و از بیخ و بن نادرست است... مهندس بازرگان در ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ حکم نخست‌وزیری خود را دریافت کرد. در آن تاریخ هنوزدولت موقت شکل نگرفته بود تا من سمتی یا مسئولیتی در آن داشته باشم و دولت بختیارد نزد دولت‌های خارجی، از جمله آمریکا، دولت قانونی و رسمی ایران بود... دولت موقت پس از

پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن از طرف دولت‌های خارجی به رسمیت شناخته شد... یک روز قبل از معرفی آقای مهندس بازرگان به عنوان نخست‌وزیر، دولت بختیار طی تفاهم‌نامه‌ای نه تنها قرارداد خرید هواپیماهای اف۱۶ بلکه اقلام دیگری را هم لغو کرد...».

تا اینجای کار فقط مسئله لغو قرارداد قطعی است که انجام شده اما عامل اصلی ماجرا هنوز چندان مشخص نیست. پیش از اینکه سری به مطبوعات و رخدادهای آن روزها بزنیم، نخست باید بدانیم با این اتفاق چه سلاح‌ها و تجهیزات به‌دردبخوری که می‌توانست سال‌های بعد در دوران جنگ تحمیلی عصای دست نیروهای نظامی ایران باشد از چنگمان خارج شد. نگاهی به متن تفاهم‌نامه لغو قراردادهای تسلیحاتی ایران و آمریکا که در ۳ فوریه ۱۹۷۹، برابر با ۱۴بهمن ۵۷ توسط اریک فون ماربد، از وزارت دفاع آمریکا و تیمسار توکلی، معاون تسلیحاتی وقت وزارت دفاع ایران امضا شده، نشان می‌دهد که تحویل ۱۶۰ فروند هواپیمای اف۱۶، هفت فروند هواپیمای جاسوسی آواکس، ۱۶ فروند اف۴، دو ناوشکن و زبردستی، انواع موشک‌ها و اژدهای پیشرفته، ۵۰۰ بالگرد و... لغو شده است. در متن این تفاهم‌نامه آمده است که: «دولت ایالات متحده وجوه مربوط به سفارشات ختم یا لغو شده و... را به حساب تنخواه گردان دولت ایران واریز خواهد کرد...».

بالاخره لغو شد

آمریکایی‌ها حتی رأی آلمانی‌ها را برای فروش چند زبردستی به ایران می‌زنند و جالب است که در صفحه اول روزنامه کیهان ۱۵ بهمن سال ۱۳۵۷ شاهد تیتیری هستیم به نقل از خبرگزاری فرانسه با این عنوان: «قراردادهای خرید اسلحه از انگلیس ارتش ایران توضع می‌دهد و تأکید بازمهم پیگیری کنیم باید برویم سراغ روزنامه‌های سال بعد و جایی که ۱۳ مرداد سال ۱۳۵۸ دکتر ابراهیم یزدی وزیر خارجه دولت موقت، در صفحه۹ کیهان به خبرنگاران درباره مشکلات و دردسرهای نگهداری هواپیماها و تجهیزات آمریکایی ارتش ایران توضیح می‌دهد و تأکید می‌کند به دلیل همین مشکلات، دولت تصمیم گرفته این‌ها را به آمریکا یا کشور دیگری که بخواهد بفروشد یک هفته بعد یعنی ۲۰ مرداد سال ۱۳۵۸ در صفحه اول و همچنین صفحه۳ روزنامه کیهان از قول سخنگوی دولت موقت (صادق طباطبایی) می‌خوانیم: «۹ میلیارد دلار قرارداد تسلیحاتی میان ایران با آمریکا لغو شد!» یعنی به نظر می‌رسد با وجود اعلام لغو قرارداد از سوی آمریکایی‌ها در بهمن ۵۷، دنباله‌های ماجرا تا مهر سال بعد ادامه پیدا کرده و وزیر خارجه دولت (یزدی) در سال ۱۳۵۸ در فیصله پیدا کرد که آن و قطعی شدن لغو قرارداد دخالت داشته است.



دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۳۹۹

۱۸۱ جمادی الثانی ۱۴۴۲

سال سی و چهارم | شماره ۹۶۵۷

ZENOLOG@QUDSONLINE-IR

روزمره نگاری

شانه به شانه‌مان می‌آیند

رقیه توسلی: لوکیشن، میوه فروشی است. لوکیشن تیراندازی، شوخی درکار نیست. همین حالا سه قُل فوق شلوغ با اسلحه‌های پیشرفته، حمله کرده‌اند. دارم سیب سرخ برمی‌دارم که تیر تفنگشان، شکم لیموها و پرتقال‌های بخت برگشته را نشانه می‌رود. سر برمی‌گردانم سمت جنگجوهای فریادکش، نه من که کل خریداران بازارچه برمی‌گردند. هاج و واج سه کودک بی‌ماسک سه ساله خشن می‌بینیم که بی محابا حمله می‌کنند.

شکر خدا طولی نمی‌کشد که ماجرا با وساطت پدرشان ختم به‌خیر می‌شود و کارگردان می‌آید و به اطلاع بازیگران می‌رساند لوکیشن عوض شده. «پادرا»، «آرتام» و «بارسین» را خونسردانه صدا می‌زند که بروند پیش مادرشان.

مزه عجیبی دارد شنیدن اسم بچه‌ها. برایم تازه و غریب است درست مثل تعدادشان. دوست دارم بدانم معنی نام‌هایشان چیست... توی ماشین، اسامی را گوگل می‌کنم و تازه آنجاست که دوزاریم می‌افتد

که دوتایشان پسر و یکی‌شان دختر بوده.

نمی‌توانم یاد «باباعبدالله» نیفتم. یاد او که وقتی راهنمایی پدرانه‌اش برای انتخاب اسم نوه‌ها کارگر نشد، جوش و خروش نکرد و دل کسی را نرنجاند؛ نه دخترها و نه پسرهایش را. پس نوه‌های اسم غریبش را سال‌هاست با صفت صدا می‌زند: نازنینم، جانانم این روزها وقتی دو نفر با صدای بلند همدیگر را «هیما» و «آبریس» می‌خوانند و قربان صدقه هم می‌روند، وقتی دختری، مادرش را مامان «مایا» خطاب می‌کند. هی از خودم می‌پرسم از کی اسم‌ها این‌قدر چرخیده‌اند که بی‌خبر مانده‌ام؟ اصلاً این مارتن برای چیست؟ چرا واژه‌ها را گماشته‌ایم جای عنوان؟ الگوبرداری‌هایمان چرا تغییر کرده؟ تلفنم زنگ می‌خورد. نگاه می‌کنم. «نوژا» است. دختری یکی از اقوام. می‌خواهد بداند برای تولد «ارشینا» دعوت شده‌ام یا نه؟

او که می‌رود تازه اسامی سرازیر می‌شوند سمتم... اسامی تازه نفسی که به‌قول «خانجان» عطر گل یاس و کوه و دریا و سرسبزی‌شان نمی‌پیچد توی سرم... از آن‌ها که یک ناشناس نمی‌داند صاحبش ایرانی است یا دورگه یا خارجی... نمی‌فهمد دختر است یا پسر...

پی‌نوشت: در ثبت احوال نام‌هایی با ریشه لاتین، هندی و یونانی به چشم می‌خورد. دارم پیش خودم فکر می‌کنم والدین قاره‌ها و ادیان دیگر آیا حاضرند نام فرزندانشان را ایرانی انتخاب کنند. مثلاً بگذارند مینا، بهنام، کیهان یا سارا...؟

روایت مجازی

سردرگمی رسانه‌ای



اگرچه چند روز از به صدا درآمدن آژیر در غرب تهران می‌گذرد، اما حواشی آن همچنان ادامه دارد. کاربران به شیوه‌های مختلفی این ماجرا را تحلیل کردند و مسئولان مربوط هم تا حدودی توضیحات قانع‌کننده‌ای برای این اتفاق ارائه دادند. در کنار این حواشی اما معصومه نصیری، کارشناس رسانه از زاویه‌ای متفاوت به این ماجرا پرداخته و محتواهای منتشر شده در فضای مجازی درباره این رویداد را تحلیل کرده است. بر اساس تحلیل‌های او، رصد بسترهای مختلف شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد کاربران توییتر یا ۲۶٫۲ هزار توییتر، ۱۴٫۲هزار ریتوییت، ۱۶۱٫۴ هزار لایک و هزار و ۹۰۰ پست در ساعت، در همان ساعات اولیه واکنش‌های شدیدی به ماجرا نشان داده‌اند.

«آژیر خطر تهران» در بستر خبر با ۸۶۳ خبر و محتوا مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است. خبرگزاری‌ها با ۴۰۵ محتوا، پایگاه‌های خبری با ۴۳۸ محتوا، روزنامه‌ها با ۲۰۰ محتوا و ۳۵ پست در ساعت به این موضوع پرداخته‌اند. تلگرام‌ها با ۵٫۱ هزار پست و مجموع ۲۷٫۱ میلیون بازدید و ۲۱۲ پست در ساعت به کنشگری درباره شنیده شدن آژیر خطر پرداختند. البته اینستاگرام هم درگیر آژیر خطر بود. کاربران اینستاگرام هم ۳۰۸ پست، ۹٫۱ هزار لایک و ۱۲ پست در ساعت به شنیده شدن صدای آژیر خطر واکنش نشان داده‌اند. پست صفحه‌ای که خبر شنیده شدن صدای آژیر در غرب تهران را همراه با گمانه‌زنی‌ها و البته محتوای مبتنی بر دیس اینفوهمیشن و شایعه‌ها منتشر کرده بود با هزار ۴۵۵ لایک و ۱۰۷ کامنت بیشتر توجه را در این بستر به خود جلب کرده است.

این فعال رسانه‌ای در پایان، در تحلیل این داده‌ها نوشته است: «این داده‌کای نشان می‌دهد در مواقع وقوع رویدادها، تعلل و سردرگمی در بین رسانه‌ها و مسئولان و عدم ارائه روایت واحد و غیرمتناقض، سبب جولان رسانه‌های معاند برای القای روایت‌های دروغین و مبتنی بر شایعه‌ها و انحراف افکار عمومی می‌شود. در غیاب این روایت و اطلاعات صحیح، موجی از بازنشر اطلاعات دلپره‌آور که برای مخاطب فاقد سواد رسانه‌ای نیز قابل راستی‌آزمایی نیست، نشان از ضرورت توجه به سیاست‌گذاری رسانه‌ای و خبررسانی صحیح، جامع و شفاف با هدف قطع زنجیره فیک‌ها و شایعه‌ها دارد که منجر به مدیریت بهتر افکار عمومی و بازگرداندن آن به داخل خواهد شد. امروز دوران سکوت‌های طولانی در عرصه اطلاع‌رسانی گذشته است و روایت اول، تبدیل به روایت غالب شده و این یعنی باختن افکار عمومی و حقیقت در برابر جریان اطلاع‌رسانی مسموم».

